



حج؛ تحولی برای ابراهیمی شدن

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان همدان با بیان اینکه حج تنها یک عمل عبادی نیست بلکه تحولی برای ابراهیمی شدن و شکستن بت‌های درونی خویش است، گفت:

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان همدان با بیان اینکه حج تنها یک عمل عبادی نیست بلکه تحولی برای ابراهیمی شدن و شکستن بت‌های درونی خویش است، گفت: در کعبه سکوت اندیشه و عشق بر همه چیز ترجیح دارد و صاحب خانه خداست و اهل خانه مردم هستند. به همین دلیل حاجی از هر کجا که آمده باشد نماز را کامل می‌خواند، چراکه او مسافر نیست بلکه به خانه خود رجعت کرده است.

حجج و مناسک آن، فرصتی برای تزکیه نفس و آغاز یک زندگی جدید است. طبق دستورات اسلام، مرسوم است که حجاج هنگام بازگشت به وطن و محل اسکان خود، سایر مسلمانان را جمع می‌کنند و برای آنان از حج می‌گویند. بنابراین، باید فرصت حج را برای آگاه سازی حجاج و تقویت وحدت و پرهیز از تفرقه غنیمت بشماریم تا حجاج هنگامی که باز می‌گردند با نگاه جدید و بهتر به تبیین اهداف مناسک عظیم حج و ضرورت انسجام امت اسلامی بپردازند و بتوانند این آگاهی را به جامعه خود منتقل کنند. به منظور پرداختن به مبحث حج و تحلیل و تفسیری بر عمل عبادی آن، خبرنگار ایکنا از همدان با فرشته رضیان، مدرس علوم قرآنی و عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان همدان گفت وگویی کرده است که مشروح آن را در زیر می‌خوانیم:

ایکنا _ آیا حج فقط یک عمل عبادی است؟

حج فقط یک عمل عبادی نیست بلکه یک سیر معنوی و اجتماعی است که انسان را به خداوند نزدیک می‌کند. در حج، یک سیر وجودی برای انسان وجود دارد، این سیر وجودی به سوی خدا شروع می‌شود، اما این سیر همگام با خلق انجام می‌شود، چراکه حج یک عمل اجتماعی بوده و یک عمل فردی و تنها نیست.

وقتی به اعمال حج نگاه می‌کنیم درمی‌یابیم که خداوند هرچه را که می‌خواسته به انسان بگوید یکجا در حج خلاصه کرده و در این عمل عبادی نهادینه کرده است.

اسلام با هجرت و حرکت معنا می‌یابد، هجرت یعنی کار هاجری و «هاجر» یکی از قهرمانان داستان حج است و این افتخاری است برای تمامی بانوان حج گذار برای تمام بانوان مسلمان و همه بانوان این کره خاکی که الگو و سیره ای همچون هاجر در جریان حج وجود دارد. بنابراین، حج هجرت و حرکت توأم است که این حرکت، هجرتی هدفدار به مقصد مشخص است.

بیشتر بخوانید:

توحید؛ مهم ترین فلسفه حج از دیدگاه امام خمینی(ره)
سه ارتباط عمیق میان حج و مهدویت براساس روایات

اگر بخواهیم حقیقت اسلام را با حرکات نشان دهیم همان حج است و حج مکانی برای اندیشیدن و عملی برای فهمیدن و درک کردن درباره موضوعات مختلف است، به عبارتی کسانی که می‌خواهند دین اسلام را بشناسند باید قبل از آن حضرت ابراهیم(ع) را بشناسند و با معنای عمل وی آشنا بشوند.

اسلام دینی است که با ابراهیم آغاز با موسی و عیسی ادامه پیدا می‌کند و با حضرت محمد(ص) ختم می‌شود. وقتی می‌گوییم حج ابراهیمی با ابراهیمی آشنا می‌شویم که بنیانگذار نهضتی است که می‌خواهد بشریت را نجات دهد اگر نه شکستن چند بت در بابل که این همه حرف و سر و صدا ندارد که بزرگترین فرستادگان خداوند افتخارشان انتصاب مذهب ابراهیم باشد.

بت شکنی حضرت ابراهیم(ع) همان شکستن تعدد طبقات، تبعیض نژادها، تبعیض ملت ها و اصالت نژادها و شجره ها و فاصله طبقاتی است. داستان ابراهیم، داستان یک انسان تنها و تک است که در برابر تاریخ قیام کرده است. در حقیقت ابراهیم(ع) مظهر تحولات اندیشه بشری است، تحول از طبیعت و سنگ پرستی تا خداپرستی است .

در این بین حج هم یک تحول است، برای ابراهیمی شدن. دکتر شریعتی حج را در سه اصل خلاصه می‌کند: اصل اول اتصال است، اتصال یعنی اینکه هر کسی و هر نسلی که به حج می‌رود، پیوند و اتصال خود را با گذشته، با تاریخ که از ابراهیم آغاز می‌شود،

شود برقرار کند و خود را متصل به ریشه ها و منابع عظیم و سرشاری که دشمن درصدد قطع آن است نگه دارد.

اصل دوم، اصل اجتماع است، اجتماع یعنی اینکه افرادی مسئول از متن مردم که آگاهانه به مسئولیت خود راهی دیار پیامبر اکرم(ص) شده اند، در زمان و مکان مشترک با هم دیدار داشته باشند از اوضاع هم آگاه شوند همدیگر را بشناسند و به تبادل فکر و نظر بپردازند و این است که حج در مکان و زمان خاصی در میان مسلمانان برگزار می شود.

اصل سوم اصل حرکت و مهاجرت است اصولاً ادیان ابراهیمی و دین اسلام دین حرکت و هجرت است این هجرت هم در برون و هم در درون باید اتفاق بیفتد.
ایکنا _ چه رازهایی در اعمال حج نهفته است؟

در میقات حاجیان احرام می بندند و لباس را عوض می کنند، لباس صرفاً لباس تن نیست که لباس و حجاب جان را هم باید دید، لباس ها که کنده شد یعنی تمام منیت ها و امتیازات از وجود انسان کنده شده است.

منیت به معنای تشخیص، تبعیض، مرز، تفرقه، نژاد، قوم، طبقه، گروه و درجه که در میقات با بستن احرام از انسان کنده می شود و میقات لحظه خروج از منیت است. با مُحرم شدن و تغییر لباس ظاهری، حجاب های قلب نیز عوض می شود.

بعد از مُحرم شدن قدم به قدم به خانه خدا نزدیک می شوید، در کعبه سکوت اندیشه و عشق بر همه چیز ترجیح دارد و در کعبه، آخر راه نیست آغاز است، در کعبه صاحب خانه خداست و اهل خانه مردم هستند. به همین دلیل حاجی از هر کجا که آمده باشد نماز را کامل می خواند، چراکه او مسافر نیست بلکه به خانه خود رجعت کرده است.

هجر اسماعیل که خانه هاجر بوده در کنار خانه خدا قرار دارد. هاجر که زنی سیاه پوست آفریقایی است همسایه خدا و نزدیک ترین قسمت به کعبه، خانه او شده است و این نشان از عظمت وجودی این زن و افتخاری برای تمامی زنان عالم است.

از مناسک حج تمتع یکی هم وقوف در سه سرزمین عرفات، مشعر و مناست در عرفات سخن از شناخت و علم است. در مشعر سخن از شعور و فهم است و در منا سخن از عشق و ایمان است. در عرفات تکلیف نیست تأمل است کار و فریضه خاصی وجود ندارد، جای حکم نیست، اما جای بسی تأمل در وجود آدمی است و وقت ذکر است، ذکر هم یعنی یادآوری و مرور آنچه از یاد آدمی رفته است حاجی باید به خود، گذشته و آینده اش بیندیشد، به تمام آن چیزهایی که در زندگی تکراری و ملال آور روزانه، فرصت و فراغت برای اندیشیدن درباره آن ها وجود ندارد.